

۱ الف، تَكَّهُ كَلَّى - يَكُّ سرشت ب، یوج - پیوده
ح، فراب - فراب شده د، گره دشتگر آن

۲ الف، تَجَنَّب ب، الفائز ح، المسابقة

۳ العجالات ب، اَرْجُل ح، سَيِّد

۴ ب

۵ وقتی مردم بت هار در هم شکسته خود را دیدند ابراهیم را برای
محاکمه احضار کردند.

ب، گاهی عارف از دوست خود می پرسد با تعجب: از دوست من چرا
نگه نمی کنی؟

ح، این مامی از بچه های خود دفاع می کرد در حالی که همراه آنها حرکت می کرد.

د، اگر به مردم دشنام بدهید دشمنی، بین آنها را به دست می آورید.

ه، امید دارم که خدا را آمرزنده ام موفقیت را بهره من در زندگی بسازد.

ز، هر مقدسی که نام خدا بر آن برده نشود هیچ برکتی در آن نیست.

ح، هر یک از مسلمانان آرزو می کنند که به مکان های مقدس مشرف بشوند.

د، کشاورزان می گویند: ای کاش باران در کشور ما بسیار بارد.

و، مؤمنان با معبود خود مناجات می کنند، خدایا آنچه را هیچ توانی

آن خدا را بر ما تحمیل کن.

ز، هر کس خدا را گناه کند و آتش می شود در حالی که می گوید!

ای منی که دن تمام مردم فدای است که به آورده نمی شود.

✓ ۵. ر ح ن ی که - جمع می کند > > > (ح) حرف نوا اعموزد - فقط

۸. کار که این - (۲) کار نکرد - کار نکردم اند

ب. (۲) تلمیح به خود و آری تلمیح (۲) خود داری می کند دل

ج. (۲) به یاد من آورد

نقد کنندگان

۱۱. اسم فاعل: سَيَّاح

// مفعول: مُتَنَزِّم

// مکان: مَشَاهِد

// مبالغه: ضَبَّار

// تفضیل: أَكْبَر

۱۲. ظرف: حال، جمله حالیه - صفت: ب. مضاف الیه: حَبْر

ح. مبتدا (د) مفعول - حال (ه) فاعل

۱۳. ظرف: الفَائِض ب. السَّيِّم ح. الفَرِيسَة

۱۴. ظرف: خُرَافِيَّة ب. لكسب رضاها و تجنب سرها

ب. (۱) ← (خطأ) (۲) X (خطأ)

موفق و سر بلند باد



۱۴۰۴/۱۰/۱